

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، بهار ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۰۵-۱۳۰

تأثیر اصلاحات ارضی بر عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی در استان فارس (۱۳۴۱-۱۳۵۱ش)

زینب قنبری نژاد^۱

رضا معینی رودبالی^۲

چکیده

از جمله اهداف اصلاحات ارضی در ایران، علاوه بر دگرگون شدن ساخت جامعه روستایی و از بین بردن نظام ارباب-رعیتی، فراهم کردن تسهیلات و امکانات لازم برای رفاه نسبی و تقویت تدریجی و رشد روستاییان بود. محمدرضا شاه پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش) درصدد برآمد تا با انجام اقداماتی مثل تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی، شرکت سهامی زراعی، ایجاد خانه‌های فرهنگ روستایی، تشکیل سازمان‌های بیمه اجتماعی روستایی و سرانجام سپاه دانش به نفع کشاورزان عمل کند. در دوره اجرای اصلاحات ارضی، استان فارس یکی از مهم‌ترین و وسیع‌ترین استان‌های زراعی ایران بود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و کتاب‌های تاریخی درصدد یافتن پاسخی به این پرسش است که با اجرای قانون اصلاحات ارضی در فارس، شرکت‌های تعاونی روستایی نسبت به بهبود زندگی کشاورزان چه عملکردی داشتند؟ طبق یافته‌های پژوهش با تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی در فارس، سوءاستفاده کدخدایان و مالکان روستاها به‌عنوان هیئت مدیره شرکت‌های تعاونی بیشتر شد. تأسیس این شرکت‌ها نه تنها بهبودی در وضع معیشتی روستاییان ایجاد نکرد؛ بلکه به تنگدستی و بینوایی آنان منجر شد. این موضوع در شکایات مردمی به استانداری فارس، سازمان بنادر و سازمان اصلاحات ارضی بازتاب داشته است.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات ارضی، بانک کشاورزی، شرکت تعاونی روستایی، فارس، محمدرضا شاه پهلوی.

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).

ghanbaryzeynab@yahoo.com

۲. استادیار گروه آموزشی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. r.moeeni@cfu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۲/۱۰

The effect of land reforms on the performance of rural cooperative companies in Fars province (1341-1351 SH)

Zeynab Ghanbary Nejad¹

Reza Moeini Rodbali²

Abstract

Among the goals of land reform in Iran, in addition to transforming the structure of rural society and eliminating the lord-serf system, was to provide facilities and facilities necessary for the relative prosperity and gradual strengthening and growth of the villagers. Mohammad Reza Shah Pahlavi (1320-1357sh) tried to act in favor of farmers by forming rural cooperative companies, agricultural joint-stock companies, creating rural culture houses, forming rural social insurance organizations, and finally Corps of Knowledge (Sepah-e danesh). During the implementation of land reforms, Fars province was one of the most important and largest agricultural provinces of Iran. This research, using the descriptive-analytical method and using historical documents and books, seeks to find an answer to the question with the implementation of the land reform law in Fars, how did the rural cooperative companies perform in improving the lives of farmers? According to the findings of the research, with the establishment of rural cooperative companies in Fars, the abuse of village chief and village owners as the board of directors of cooperative companies increased. The establishment of these companies not only did not improve the living conditions of the villagers; Rather, it led to their destitution. This issue has been reflected in people's complaints to the Fars Governorate, Governance in the Ports and Agrarian Reform Organization.

Keywords: Land reforms, Agricultural Bank (Bank Keshavarzi), Rural Cooperative Company, Fars, Mohammad Reza Shah Pahlavi.

1. PhD in Iranian Islamic History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran (corresponding author). ghanbaryzeynab@yahoo.com

2. Assistant professor, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran. r.moeeni@cfu.ac.ir

درآمد

بعد از حذف نظام ارباب-رعیتی و بزرگ مالکان در روستاها، بزرگ‌ترین مشکل دولت عدم توانایی کشاورزان در برطرف ساختن ابتدایی‌ترین حوائج مادی خود بود. قانون اصلاحات ارضی کشاورزان را صاحب زمین ساخت و از استثمار آنان توسط اربابان جلوگیری کرد. با این حال کشاورزان نه تنها قدرت خرید کمترین لوازم مورد نیاز خود را نداشتند؛ بلکه غالباً برای تأمین خورد و خوراک، محصول سال و شاید سال‌های آینده را پیش فروش می‌کردند. در چنین شرایطی ایجاد شبکه‌ای وسیع و قوی لازم بود تا کشاورزان را به‌طور کامل تحت حمایت قرار دهد. شرکت‌های تعاونی روستایی از مهم‌ترین مؤسسات دولتی بود که می‌بایست جای ارباب‌ها و رباخوران را بگیرد. این شرکت‌ها به‌منظور کمک به پیشرفت جنبش تعاونی در مناطق روستایی، تهیه بذر، وسایل آبیاری، دفع آفات نباتی، تأمین کالاهای مصرفی کشاورزان، تأمین آب زراعی و بازاریابی فروش محصولات کشاورزی و دامی تشکیل شد. شرکت‌های تعاونی وظیفه داشتند، کود شیمیایی، سموم دفع آفات نباتی و بذره‌های اصلاح‌شده را در بین کشاورزان توزیع کنند. همچنین حفر چاه‌های نیمه عمیق و لایروبی قنات‌ها و انجام فعالیت‌های بازرگانی و توزیع کالاهایی نظیر قند و شکر در بین روستاییان از دیگر اقدامات آنها بود. اعتبارات این سازمان منحصرماً بایستی در راه ازدیاد تولید مصرف می‌شد و هیئت‌های مدیره، مسئولین و سرپرستان شرکت‌ها باید اطمینان حاصل می‌کردند تا وام‌های اعطایی برای بهبود کشاورزی و زراعت و رفع احتیاجات مهم و اساسی زندگی کشاورز مصرف شود. زارعان به لحاظ قانونی در ساختار تعاونی‌های روستایی غالب بودند، اما مدیریت این مؤسسات با تهران بود. سازمان مرکزی تعاون روستایی سلسله مراتبی از کارمندان داشت که تحت عنوان کارشناس شناخته می‌شدند و مسئول سرپرستی شرکت‌های تعاونی بودند. کارشناسان بخش، مأموران مسئول تعاونی‌ها در سطح محلی بودند. آنها باید به‌منظور تفسیر سیاست‌های حکومت برای مدیران و شوراهای اجرایی مرتب از روستاها بازدید می‌کردند و پیشرفت کارها را در جهت اجرای دستورهای رسمی زیر نظر می‌گرفتند. این روش مدیریت، تعاونی‌ها را رسماً به ابزار اجرای سیاست حکومت تبدیل کرد (هوگلاند،

«اصلاحات ارضی»، ۱۹۲-۱۹۱).

استان فارس از مهم‌ترین مراکز کشاورزی ایران بود که با وجود تنش‌های بسیار در اجرای اصلاحات ارضی، بعد از آرام شدن اوضاع به محض تقسیم شدن زمین بین روستائیان، در آنجا شرکت‌های تعاونی روستایی تشکیل شد. با این وجود در فارس مخالفت‌های آشکاری بر ضد شرکت‌های تعاونی وجود داشت و درگیری‌هایی نیز در نقاط مختلف استان به وجود آمد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به اسناد و کتب تاریخی درصدد یافتن پاسخی به این پرسش است که با اجرای قانون اصلاحات ارضی در فارس، شرکت‌های تعاونی روستایی نسبت به بهبود زندگی کشاورزان چه عملکردی داشتند؟ پژوهش حاضر ضمن بررسی تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی قبل و بعد از اصلاحات ارضی در فارس به بررسی عملکرد این شرکت‌ها و بیان درگیری‌ها و تنش‌های موجود میان روستائیان و رؤسای شرکت‌ها در مناطق مختلف استان خواهد پرداخت.

پیشینه پژوهش

در کتاب‌های مطالعات روستایی و بررسی اصلاحات ارضی به صورت کلی در مورد چگونگی و بعضاً عملکرد شرکت‌های تعاونی مطالب پراکنده‌ای وجود دارد. پور افضل و نجفی (۱۳۵۱ش) در کتاب *اصلاحات ارضی و واحدهای دسته‌جمعی تولید کشاورزی* به بررسی عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی پرداخته‌اند. لهسایی زاده (۱۳۶۸ش) در کتاب *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران* به قوانین تشکیل شرکت‌های تعاونی و نحوه تشکیل آن اشاره کوتاهی کرده است. کتاب *مرحله سوم اصلاحات ارضی یا افزایش تولید محصولات کشاورزی* (۱۳۴۴ش) به تقویت و توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی پرداخته است. سوداگر (۱۳۵۸ش) در کتاب *بررسی اصلاحات ارضی* (۱۳۴۰-۵۰ش) به تاریخچه شرکت‌های تعاونی در سال ۱۳۱۸ش و عملکرد این شرکت‌ها در سال‌های مورد نظر به صورت کلی پرداخته است. زاهد زاهدانی و ایمان (۱۳۶۱ش) در مقاله «تاریخچه تعاونی‌های روستایی ایران» به بررسی

سازمان‌های تولید زراعی در عصر رضاشاه و شرکت‌های تعاونی در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ش پرداخته است. هوگلاند (۱۳۸۱ش) در کتاب زمین و انقلاب در ایران (۱۳۴۰-۱۳۶۰ش) به بررسی زندگی روستایی قبل از اصلاحات ارضی و نیز چگونگی اجرای اصلاحات ارضی و نقش بازوهای اجرایی آن چون شرکت‌های تعاونی روستایی پرداخته است. با این همه تاکنون در مورد نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در فارس، رساله و تحقیق مستقلی نوشته نشده است. در پژوهش حاضر نویسنده بر آن است تا برای نخستین بار با بهره‌گیری از اسناد و مدارک آرشیوی، پیامدها و نتایج تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی در فارس، به‌خصوص در جریان قانون اصلاحات ارضی را مورد بررسی قرار دهد. در مورد اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر هم می‌توان به شناسایی ویژگی‌های نظام زمین‌داری در فارس در دوره محمدرضا شاه پهلوی و تعیین کارکردهای متنوع آن چون تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی اشاره کرد که برای گشودن بحثی در خصوص کارکردهای نهادهای اجتماعی و اقتصادی در دوره پهلوی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی قبل از اصلاحات ارضی

رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) بعد از تصاحب عمده زمین‌های کشاورزی کشور برای اداره امور آن، دست به اقداماتی زد. ایجاد بانک فلاحی در سال ۱۳۱۲ش یکی از آن اقدامات بود تا از لحاظ مالی و نظارتی جای مالک را در روستاها و املاک مصادره شده بگیرد. این اقدام با توجه به وضع کشور، بی‌سودی روستائیان، نبود وثیقه و سند ملکی، نبود امکانات رفت‌وآمد مناسب بین شهر و روستا موفقیت چندانی نداشت و به‌زودی روشن شد که بانک فلاحی نمی‌تواند جای مالک را در روستاها بگیرد. بعد از آن دولت به فکر تأسیس سازمانی افتاد که در روستا حضور داشته باشد و نمایندگی دولت را به عهده گرفته و جایگزین مالک شود. از این‌رو در سال ۱۳۱۴ش اولین شرکت تعاونی روستایی در شهرستان گرمسار تأسیس شد. اصول شرکت‌های تعاونی از این قرار بود:

- ۱- آزادی عضویت،
- ۲- حق یک رأی برای هر فرد،
- ۳- محدودیت سود سهام و
- ۴-

تقسیم سود به نسبت معاملات یا کار اعضا با شرکت (زاهد زاهدانی و ایمان، ۶-۷). در زمان محمدرضا شاه برنامه تشکیل شرکت‌های تعاونی در ایران دنبال شد. در آن زمان نیز شرکت‌های تعاونی برای اینکه نماینده دولت و جایگزین مالک در روستاها باشند، تقویت شد. در سال ۱۳۲۰ش دولت از طریق بانک کشاورزی به تشکیل صندوق‌های تعاونی روستایی در شهرستان‌ها پرداخت. این صندوق‌ها دچار همان مشکلاتی بودند که بانک فلاح با آن روبه‌رو بود. به علت مشکلات ناشی از نبود راه وسیله رفت و آمد و یا هزینه بالای آن و همچنین عدم آشنایی روستائیان با سیستم کاغذبازی بانک، دولت عملاً نتوانست از این طریق به تزریق سرمایه در روستاها بپردازد و کار تشکیل شرکت‌های تعاونی به‌کندی پیش رفت (ودיעی و هاشمی، ۱۳؛ زاهد زاهدانی و ایمان، ۸).

از سال ۱۳۳۰ش تا قبل از اصلاحات ارضی برای تقویت شرکت‌های تعاونی اقدامات مهمی انجام شد. در سال ۱۳۳۱ش بانک عمران و تعاون روستایی برای تشکیل تعاونی‌های اعتبار مبنی بر اصول رایفایزن^۱ اقدام کرد تا از این طریق نیاز مالی کشاورزان را برطرف سازد. تعداد زیادی از این تعاونی‌ها در روستاها تشکیل شد؛ اما این اقدام نیز با موفقیت روبه‌رو نبود (زاهد زاهدانی و ایمان، ۹). در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۳۴ش لایحه «قانون بنگاه عمران» کشور به تصویب رسید. این بنگاه، وظیفه داشت تا برای عمران روستا، شرکت‌های تعاونی روستایی و صندوق‌های روستایی را تشکیل دهد. یک سال بعد در ۶ مرداد ۱۳۳۵ش لایحه قانونی دیگری به نام «قانون اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات» تصویب شد و قانون بنگاه عمران لغو شد. در این قانون، تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی و یا صندوق‌های تعاونی به عهده انجمن‌های امور اجتماعی ده و بخش گذاشته شد. هدف این شرکت‌ها تغییر فرهنگ و شیوه زندگی

۱. نهضت تعاونی روستایی را در حقیقت «رایفایزن» در آلمان به وجود آورد و امروزه در دنیا به اسم «نظام رایفایزن» معروف است. این نظام کاملاً به نفع روستائیان و دهقانان برای پرداخت وام به آنان بود (توفیقی، ۵۳).

روستائیان از طریق تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی بود (وديعی و هاشمی، ۴۹). صندوق‌های تعاونی روستایی، تعاونی‌های اعتبار و شرکت‌های تعاونی روستایی از سال ۱۳۳۳ش تا ۱۳۳۶ش، از ۷۰ واحد به ۱۰۳ واحد رسید و تعداد اعضای آن به ۸۸۱۵۴ نفر افزایش یافت. در سال ۱۳۳۷ش بانک کشاورزی صندوق تعاونی روستایی را به شرکت‌های تعاونی روستایی تبدیل کرد (زاهد زاهدانی و ایمان، ۹). تا سال ۱۳۳۸ش، ۱۱۲ شرکت تأسیس شد که عمده فعالیت آنها محدود به تأمین اعتبار مالی جهت مالکین و کشاورزان بود. تا سال ۱۳۳۹ش، ۶۳۹ شرکت تعاونی با ۲۹۰ هزار عضو و ۱۴۰ میلیون سرمایه به وجود آمد (سوداگر، ۸۱-۸۸). دولت برای جلوگیری از مشکلات بانک فلاحتی در سال ۱۳۳۷ش تعدادی دیپلمه پس از طی یک دوره یک‌ماهه در دانشکده کشاورزی کرج برای سرپرستی شرکت‌ها به استخدام بانک کشاورزی درآورد و روانه روستاها کرد. دولت تا پایان سال ۱۳۴۱ش تعداد شرکت‌ها را به ۱۳۷۳ش واحد افزایش داد و اعضای آن نیز به ۴۰۳۹۹۲۲ نفر افزایش یافت. هدف عمده شرکت‌های تعاونی در این زمان ایفای نقش بانک کوچک محلی، عرضه اجناس ضروری مصرفی روستائیان، آموزش روش‌های کشت و زرع و برداشت، عرضه وسایل کشاورزی، بذر، کود و سم بود (زاهد زاهدانی و ایمان، ۹-۱۰).

تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی بعد از اصلاحات ارضی

با شروع اصلاحات ارضی، در روستاهایی که توسط دولت خریداری و بین زارعان تقسیم شده بود، مسئولان اصلاحات ارضی، شرکت‌های تعاونی تشکیل دادند که زیر نظر و سرپرستی بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستایی قرار داشت (لمتون، ۲۸۹). در اواخر سال ۱۳۴۱ش برای هماهنگی شرکت‌های تعاونی و جلوگیری از دوباره‌کاری و اجرای برنامه‌های دولت، در مرداد سال ۱۳۴۲ش سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران به دستور محمدرضاشاه تشکیل شد. این سازمان با اعتبار یک میلیارد ریال از طرف بانک اعتبارات کشاورزی، کار خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۶ش با تأسیس وزارت اصلاحات ارضی زیر نظر این وزارتخانه قرار گرفت. در سال ۱۳۵۰ش نام

وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی به وزارت تعاون و امور روستاها تبدیل شد و در سال ۱۳۵۵ش نیز این وزارتخانه در وزارت کشاورزی و منابع طبیعی ادغام شد (زاهد زاهدانی و ایمان، ۱۴-۱۶).

شرکت‌های تعاونی روستایی یکی از عوامل پیش‌برنده قانون اصلاحات ارضی، تأمین‌کننده منابع اعتباری برای روستاییان عضو شرکت‌های تعاونی با تسهیلات فراوان (تأمین اعتبار و وام به زارعین، خرید محصولات و بازاریابی آنها و تأمین اجناس مصرفی مورد نیاز روستائیان)، تهیه‌کننده ادوات کشاورزی و مایحتاج زندگی روستاییان و جایگزین نفوذ مالکین در روستاها محسوب می‌شد. در ابتدا کشاورزان با مزایای تشکیل این قبیل شرکت‌ها آشنایی نداشتند؛ بنابراین یکی از شرایط دریافت زمین به‌موجب قوانین اصلاحات ارضی از سوی کشاورزان، عضویت در این شرکت‌ها محسوب می‌شد تا با انجام چنین اقداماتی به‌نوعی دست واسطه‌ها و رباخواران کوتاه شود و سرانجام دولت به نتایج مورد نظر خود دست پیدا کند. این تعاونی علاوه بر کار صنفی خود غالباً درگیر امور و مسائل حاشیه‌ای و یا غیر مرتبط با تولید نیز بود که مانعی برای فعالیت اصلی آن و حتی باعث منحرف شدن آن از اهدافش شده بود (توفیقی، ۵۳).

بعد از اصلاحات ارضی در اولین «کنگره ملی شرکت‌های تعاونی روستایی» که روز ۱۹ دی ۱۳۴۱ش در تهران برگزار شد، کارکرد و اهداف جدید شرکت‌های تعاونی برای کشاورزان توجیه شد. برنامه‌های این کنگره عبارت بودند از: ۱- تأمین احتیاجات تولیدی اعضای شرکت‌های تعاونی برای افزایش درآمد، ۲- تأمین احتیاجات فردی کشاورزان به قیمت ارزان، ۳- پرداخت اعتبار به زارعان و ۴- قیمت‌گذاری محصولات فلاحتی. در یکی از جلسات این کنگره، حسن زاهدی، مدیرعامل بانک کشاورزی وعده داد، با تشکیل سازمان تعاون مرکزی تا پنج برابر سرمایه شرکت‌ها به آن اعتبار داده شود تا به اعضا وام دهد. امیر پرویز، مدیرکل اقتصاد وزارت کشاورزی هم در یکی از جلسات کنگره، درباره چگونگی کاشت محصولات صحبت کرد. او هم وعده داد که بعد از تشکیل شرکت‌های تعاونی، کود شیمیایی، وسایل شخم زدن و روش‌های خوب آبیاری در اختیار کشاورزان قرار خواهد گرفت. در این کنگره همچنین تصمیم گرفته شد که

مؤسسات انحصاری دولت مانند نفت، دخانیات، سازمان‌های چای و کارخانه‌های قند که سابقاً قراردادهایی با مالکان بسته بودند، در آینده قراردادهای خود را با اتحادیه شرکت‌های تعاونی ببندند. زارعان هم می‌بایست محصولات خود را به مؤسساتی که شرکت‌های تعاونی توصیه می‌کردند، بفروشند (قنبری نژاد و سعیدی نیا، ۶۲-۸۶).

شرکت‌های تعاونی را شاید بتوان به‌عنوان نهادی نیمه سیاسی در نظر گرفت؛ زیرا رئیس این شرکت‌ها به خاطر تصمیم‌های اعتباری که می‌گرفت، نفوذ زیادی در روستا کسب می‌کرد. رئیس تعاونی‌ها، ضرورتاً از ثروتمندترین دهقانان بود. کدخداها معمولاً عضو هیئت اجرایی سه‌نفره این شرکت‌ها بودند، درحالی‌که دیگر اعضای این هیئت‌ها، غالباً روستائینی بودند که هم‌زمان در انجمن روستا نیز عضویت داشتند؛ یعنی در جایی که دفتر تعاونی در آنجا قرار داشت. این هیئت اجرایی و مدیر آن به‌طور جمعی تعیین می‌کردند که چه کسی چه مبلغی وام دریافت کند (هوگلاند، زمین و انقلاب، ۴۳). بعد از گذشت نه سال از اصلاحات ارضی، ۹۰۰۰ شرکت تعاونی روستایی در کشور شکل گرفت و به بیش از هفت میلیون کشاورز ایرانی کمک کرد. وظایف این شرکت‌ها متعدد بود و در اموری چون واگذاری تسهیلات نقدی و جنسی، تعمیر قنات‌ها، تهیه کود شیمیایی، آب‌رسانی کانال‌ها، ساخت سد، خرید تراکتور و کمباین تهیه سموم دفع آفات نباتی، ساخت کارخانه لبنیاتی و راه ماشین‌رو به کشاورزان خدمت‌رسانی می‌کردند (بازیار، ۱۵-۱۰). برای تأمین احتیاجات مواد نفتی روستائیان ترتیبی داده شد تا شرکت‌های تعاونی عاملیت توزیع مواد نفتی به قیمت دولتی را نیز بر عهده بگیرد. بدین ترتیب تا اواخر سال ۱۳۴۶ش بیش از ۴۰۰۰ فروشگاه مواد نفتی توسط شرکت‌های تعاونی روستایی تأسیس شد. سایر مواد مصرفی روستائیان عضو شرکت‌های تعاونی و خانواده آنها از قبیل پارچه، پوشاک، قند و شکر نیز از طریق اتحادیه‌های تعاونی تهیه و به‌وسیله شرکت‌های تعاونی در اختیار کشاورزان قرار داده شد (ناهید، ۲۶۵). سازمان مرکزی تعاونی روستایی، نحوه مدیریت شرکت‌های تعاونی روستایی را به مدیران آنها یاد می‌داد. همچنین با پرداخت اعتبار مالی به شرکت‌های تعاونی روستایی برای واگذاری وام به کشاورزان و کمک به بازاریابی و فروش فراورده‌های کشاورزی به

رواج بیشتر صنایع دستی (قالی‌بافی، گلیم‌بافی، سوزن دستی و...) اقدام کرد (بازیار، ۱۶).

تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی در فارس قبل از اصلاحات ارضی

تا قبل از اصلاحات ارضی هیچ سازمان دولتی موظف به تشویق، ارشاد و کمک فنی برای تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی نبود. بانک کشاورزی با کارمندان و تجهیزات محدود در شهرستان‌های مختلف به صورت پراکنده اقداماتی در جهت تشکیل شرکتهای تعاونی اعتبار روستایی به عمل آورده بود که بیشتر این اعتبارات به مالکین واگذار می‌شد. نفع و سود به آنها می‌رسید و کشاورزان منفرد و فاقد وثیقه هرگز نفعی از این تسهیلات نداشتند (ناهید، ۲۶۴). در سال ۱۳۳۷ش اقدامات مهمی در زمینه گسترش شرکتهای تعاونی در سراسر کشور انجام شد. در اواخر همین سال از طرف بانک کشاورزی شعبه شیراز با همکاری استانداری، فرمانداری‌ها و ژاندارمری اقدام مهمی برای گسترش شرکتهای تعاونی روستایی در استان صورت گرفت. چهار گروه مجهز با وسائل نقلیه تعیین شد تا زیر نظر کاظم معین (ناظر هیئت‌مدیره بر شعب بانک و سرپرست کل تعاونی‌های استان فارس) به نقاط مورد نظر اعزام شوند: ۱- گروه کازرون به سرپرستی هدایت الله جاوید و به عضویت عظیم عظیمی، ۲- گروه فسا به سرپرستی مشیت اله واثقی و به عضویت یحیی جلالی، ۳- گروه جهرم به سرپرستی عبدالعلی هور تاش و به عضویت محسن خلیلیان و ۴- گروه شیراز و مرودشت به سرپرستی عطاء اله ناصر مستوفی و به عضویت منوچهر نیک‌بخت. برای هر یک از حوزه‌های آباده و اردکان نیز یک گروه مجهز با هماهنگی بانک کشاورزی شعبه شیراز اعزام شدند (ساکما، ۹۸/۲۹۳/۱۴۸۸). کار تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی به سرعت انجام شد و تا پایان فروردین ۱۳۳۸ش در بیشتر مناطق مورد نظر شرکتهایی دایر شد. این شرکتهای به ترتیب تاریخ تأسیس شامل اینها بود: ۱- شرکت تعاونی روستایی دنیان جهرم، ۲- شرکت تعاونی روستایی کوشک مرودشت، ۳- شرکت تعاونی روستایی قلات اردکان، ۴- شرکت تعاونی روستایی زنجیران فیروزآباد، ۵- شرکت تعاونی روستایی جره کازرون، ۶- شرکت تعاونی روستایی سورمق آباده، ۷- شرکت تعاونی



روستایی حسین‌آباد جهرم، ۹- شرکت تعاونی روستایی قلات جهرم، ۱۰- شرکت تعاونی روستایی کناردان جهرم، ۱۱- شرکت تعاونی روستایی خرم‌آباد جهرم، ۱۲- شرکت تعاونی روستایی حومه بندر گناوه (حیات داود) کازرون، ۱۳- شرکت تعاونی روستایی چنارشاهیجان کازرون، ۱۴- شرکت تعاونی روستایی صدرآباد کازرون، ۱۵- شرکت تعاونی روستایی ده خیر داراب -فسا و ۱۶- شرکت تعاونی روستایی تل بیضا و دنجان شیراز (همان).

بنا به گزارش‌های موجود بعد از گذشت شش ماه از فرمان شاه مبنی بر توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی، در نقاط مختلف استان فارس ۴۴ شرکت تأسیس شد. سرپرست گروه حوزه کازرون طی گزارشی در تاریخ ۱۳۳۸/۵/۱۹ش اعلام کرد، ۹ شرکت تعاونی به نام‌های شرکت‌های تعاونی روستایی جره، چنارشاهیجان، گچگران، گوری گاه، جهان‌آباد، آبیان، عالی وند، صدرآباد و حومه گناوه در کازرون تشکیل شد. اعتبار تصویب شده برای شش شرکت تعاونی روستایی کازرون به این قرار بود: شرکت تعاونی روستایی جره با اعتبار ۴۰۰/۰۰۰ ریال، چنارشاهیجان با اعتبار ۲۵۰/۰۰۰ ریال، گچگران با اعتبار ۶۰۰/۰۰۰ ریال، گوری گاه با اعتبار ۴۰۰/۰۰۰ ریال، جهان‌آباد با اعتبار ۲۵۰/۰۰۰ و عالی وند با اعتبار ۴۵۰/۰۰۰ ریال. این اعتبارات بعد از تصویب از طرف بانک کشاورزی در اختیار شرکت‌ها قرار گرفت (ساکما، ۹۸/۲۹۳/۱۴۸۸).

طبق گزارش بانک کشاورزی آبان تا تاریخ ۱۳۳۸/۸/۱۹ش، شش شرکت تعاونی روستایی در روستاهای سورمق، بهمن، صغاد و محل‌های اقلید تشکیل شد و مجموعاً ۹۱۳ نفر در آن عضو شدند. اعتبار روستای صغاد به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال و روستای بهمن به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال بود. طبق گزارش موجود اعتبار روستای صغاد در اختیار شرکت و مورد استفاده اعضا قرار گرفت و بقیه شرکت‌ها در شرف تنظیم اسناد و قراردادهای بودند (همان). در آن زمان با گسترش شرکت‌های تعاونی و پخش آوازه محسنات آن در نقاط مختلف استان، بعضی از روستاها نیز با فرستادن نامه به استانداری

خواهان تشکیل شرکت تعاونی روستایی در روستاهای خود بودند.^۱
 جدول شماره ۱: میزان اعتباراتی که بانک کشاورزی در سال ۱۳۳۸ش به منظور تقویت بنیه مالی شرکت‌های تعاونی روستایی در اختیار ۲۴ شرکت قرار داده بود.

ردیف	نام شرکت تعاونی روستایی	اعتبارات به ریال	ردیف	نام شرکت تعاونی روستایی	اعتبارات به ریال	ردیف	نام شرکت تعاونی روستایی	اعتبارات به ریال
۱	کوشک مرودشت	۵۰۰/۰۰۰	۹	زنجیران فیروزآباد	۵۰۰/۰۰۰	۱۷	عالی‌وند کازرون	۴۵۰/۰۰۰
۲	ترنگ سروستان	۴۰۰/۰۰۰	۱۰	خان زنیان	۲۷۰/۰۰۰	۱۸	آبیان کازرون	۴۵۰/۰۰۰
۳	ابراهیم‌خانی سروستان	۵۰۰/۰۰۰	۱۱	مجدآباد	۴۰۰/۰۰۰	۱۹	گجگران کازرون	۶۰۰/۰۰۰
۴	شیخ یوسف سروستان	۵۰۰/۰۰۰	۱۲	محل رئیس حبیب‌الله اردکان	۴۵۰/۰۰۰	۲۰	گوری‌گاه کازرون	۴۵۰/۰۰۰
۵	حاجی نظری سروستان	۵۰۰/۰۰۰	۱۳	کلستان	۵۰۰/۰۰۰	۲۱	جهان‌آباد ازرون	۲۵۰/۰۰۰
۶	ده شیب فرمشکان	۲۰۰/۰۰۰	۱۴	برشنه	۵۰۰/۰۰۰	۲۲	بهمن‌آباد	۳۰۰/۰۰۰
۷	خویدجان	۵۰۰/۰۰۰	۱۵	جره کازرون	۴۰۰/۰۰۰	۲۳	صغادآباد	۵۰۰/۰۰۰
۸	تل‌بیضا و دنجان	۴۵۰/۰۰۰	۱۶	چنارشاهیجان	۲۵۰/۰۰۰	۲۴	قلات هکان	۲۵۰/۰۰۰

منبع: ساکما، ۹۸/۲۹۳/۱۴۸۸

این شرکت‌ها به‌رغم اعتباراتی که برای آنها تخصیص داده می‌شد، مشکلات بسیاری داشتند. مثلاً در حوزه سروستان متصدیان مربوطه به بهانه نداشتن دفاتر محضر از پرداخت وام به مشترکین شرکت خودداری می‌کردند. در حوزه کازرون نیز با راهنمایی و تشویق فرمانداری مبنی بر اینکه بعد از تشکیل شرکت‌های تعاونی مبلغی از طرف بانک کشاورزی به سرمایه آنها به‌عنوان وام کمک خواهد شد و همچنین تفهیم محسنات شرکت‌های تعاونی، روستائیان حاضر به تشکیل این شرکت‌ها شدند و

۱. نامه اهالی دهستان کهمره سرخی (۱۵ کیلومتری شیراز) به تاریخ ۱۳۳۸/۳/۱۸ش به استانداری فارس و ارجاع نامه به عطاء‌اله ناصر مستوفی سرپرست گروه تعاونی حوزه مرودشت و شیراز جهت انجام اقدامات لازم (ساکما، ۹۸/۲۹۳/۱۴۸۸).



هرکدام از کشاورزان مقدار زیادی سهام خریداری کردند؛ ولی باگذشت مدت‌ها از تشکیل این شرکت‌ها، از طرف بانک کشاورزی اعتباری به آنها داده نشد و از همان سرمایه خودشان به بعضی از کشاورزان وام پرداخت شد (ساکما، ۹۸/۲۹۳/۱۴۸۸). طبق قوانین شرکت‌های تعاونی، بانک کشاورزی می‌توانست تا پنج برابر سرمایه شرکت به کشاورزان وام دهد؛ ولی به بهانه‌های حقوقی و نبود دفاتر محضر در تعاونی‌ها از پرداخت آن در بیشتر مواقع کوتاهی می‌شد.

عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی در فارس بعد از اصلاحات ارضی

بعد از اصلاحات ارضی از آنجایی که یکی از شروط واگذاری زمین به روستائیان صاحب نسق، عضویت در شرکت‌های تعاونی بود، گروه‌های اصلاحات ارضی در هر منطقه از چهار نفر تشکیل می‌شد که دو نفر آنها مأمورین اداره کشاورزی و یک دانشجو و یک نفر هم مأمور بانک کشاورزی بود. کار گروه به‌صورت شبانه‌روزی بود و به محض شروع آمار برداری کار تشکیل شرکت‌های تعاونی نیز آغاز می‌شد (قنبری نژاد، ۴۷). در بیشتر مناطق، تشکیل شرکت‌های تعاونی با استقبال روستائیان و در مناطقی نیز با درگیری و زد و بندهایی همراه بود. اصلاحات ارضی در فارس در تاریخ ۱۳۴۱/۸/۲۲ش آغاز شد و طبق آمار موجود تا پایان همین سال ۲۴ شعبه شرکت تعاونی روستایی تنها در شیراز و حومه با عضویت ۳۷۷۹ نفر و سرمایه‌ای به مبلغ ۱۸۳۰۹۰۰ ریال تشکیل شد (همان، ۱۰۶). از طرف دیگر با وجود کم‌آبی در استان فارس، روستائیان در این مناطق دائماً با مشکل کم‌آبی روبه‌رو بودند. حفر چاه برای آبیاری یکی از خدمات شرکت‌های تعاونی در فارس بود. این امر به سبب مخالفت‌های شدید مالکان که دائماً بر ضد فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی اعتراض می‌کردند چندان پیشرفتی نداشت. در گزارشی به تاریخ ۲۰/۱۱/۴۷ش در روستای ده پاگاه همایجان بخش اردکان، شرکت تعاونی تشکیل شد. فردی سودجو و فرصت‌طلب به نام جلال رستگاه که ظاهراً ساکن روستایی دیگر بوده، خود را مدیرعامل این شرکت معرفی کرده بود. این فرد با همدستی فیروزآبادی سرپرست شرکت تعاونی آن منطقه و جعفر

کشکولی مالک، ساختمان شرکت تعاونی را به ده دیگری به نام ده بید، منتقل کرد و وام و پول‌های جمع‌آوری شده جهت حفر چاه را نیز به افراد متفرقه‌ای که معلوم نبوده هرکدام در کجا زندگی می‌کنند، پرداخته بود. در نتیجه ساکنین ده پاگاه نیز از تمامی خدمات شرکت تعاونی محروم شدند. همچنین در این گزارش آمده بود که این فردی که خود را به‌عنوان مدیرعامل شرکت تعاونی ده بید و پاگاه معرفی کرده بود، با اخلاص‌گری و مزاحمت‌هایی که برای روستائیان فراهم کرده بود، باعث شده بود تا طی یک سال کشاورزان دست از زراعت کشیده و بلا تکلیف بمانند (ساکما، ۳۹۳۰۳-۲۹۳).

از دیگر اقدامات کارشکنانه این بود که مالکین فارس که سران طایفه بودند، افرادشان را برای تاراج روستاها تحریک می‌کردند. در فاصله شروع اصلاحات تا سال ۱۳۴۴ش، مرودشت، سه بار در معرض هجوم و دستبرد قرار گرفت. در شهریور سال ۱۳۴۳ش در یکی از این حملات حدود ۱۸۰۰ گوسفند سر بریده شد و برادر مسئول شرکت تعاونی مرودشت توسط اخلاص‌گران کشته شد (لمتون، ۱۵۳). در منطقه فیروزآباد نیز مأمورین اصلاحات ارضی در همان روزهای اول در روستاهای احمدآباد، جادشت، اردشیر، محمدآباد، سر میدان، قره‌العین و خرقة، شرکت تعاونی تشکیل دادند. در بخش قیر و کارزین نیز در همان روزهای اول ۳۶۵ نفر عضو شرکت تعاونی شدند. در داراب روستائیان اعلام کرده بودند که همه آنها از شرکت تعاونی وام گرفته و پرداخت کردند. زارعان زمین‌شان را با آب قنات و موتور آب از چاه آبیاری می‌کردند که آن را به صورت شراکتی خریده بودند (قنبری نژاد، ۱۰۴-۱۱۰).

کشاورزان چاهک نی‌ریز فارس در طی نامه‌ای به فرمانداری نی‌ریز، ضمن اشاره به ورود مأموران اصلاحات ارضی در مورخه ۱۳۴۱/۱۱/۲ش به چاهک در جهت تقسیم اراضی بین آنان، از عدم اجرای این سیاست در بین آنان گلایه داشتند. از جمله مستندات آنان این بود که مالک روستا با فریفتن مأموران از تقسیم زمین بین آنان جلوگیری کرده و چاهک را به نام خودش ثبت کرده بود. آنان نه تنها صاحب زمین نشده بودند؛ بلکه با پرداخت وجوهی به‌عنوان سهام شرکت تعاونی، بعد از گذشت دو سال هنوز از تشکیل چنین شرکتی در چاهک خبری نبود. آنان با اشاره به اینکه برای

تأسیس این شرکت‌ها با فروش گاوهایشان به‌عنوان تنها منبع درآمدشان به قیمت خیلی نازل، از هستی ساقط شده‌اند، از فرماندار نی‌ریز، خواستند تا با ارجاع عریضه‌شان به استاندار فارس از آنان احقاق حق کند. فرماندار نی‌ریز، مجید مبین، بعد از وصول نامه زارعین چاهک، در طی نامه‌ای به سرپرست شرکت‌های تعاونی روستایی فسا و اصطهبانات و نی‌ریز و داراب، ضمن انجام تحقیقات لازم در این موضوع، رونوشتی از آن را نیز جهت استحضار به اداره کل کشاورزی و اصلاحات ارضی فارس و استانداری فارس فرستاد (ساکما، ۱۶۸۵-۳۵۰).

سرپرست تعاونی‌های شهرستان فسا و داراب در پاسخ به این شکایت، از اداره کشاورزی و اصلاحات ارضی نی‌ریز تقاضا کرد تا در مورد قریه چاهک و اینکه آیا این روستا در مرحله اول اصلاحات ارضی مشمول این قانون می‌شده یا نه را بررسی و نتیجه را به آن سرپرستی اعلام کند تا در صورت صحت ادعای آنان، نسبت به انحلال شرکت و استرداد سهام اعضاء اقدام شود. رونوشتی از این نامه نیز به استانداری فارس برای انجام تحقیقات بیشتر ارسال شد. استانداری فارس نیز با ارجاع این نامه به سرپرست تعاونی‌های استان فارس، درخواست رسیدگی به موضوع را صادر کرد. سرانجام مهندس سهم الدینی، سرپرست تعاونی‌های استان فارس در پاسخ به نامه مذکور، با اشاره به اینکه تاکنون اداره کشاورزی فارس در مورد اینکه آیا زارعین چاهک مشمول مرحله اول قانون اصلاحات ارضی می‌باشند یا نه پاسخ قطعی نداد، بنابراین برای تسریع در جریان امر و ادامه کار یا انحلال شرکت و استرداد سهام زارعین و تا موقعی که اداره کل کشاورزی صریحاً موضوع را روشن ننماید، این سرپرستی نمی‌تواند اقدامات لازم را به عمل آورد (ساکما، ۱۶۸۵-۳۵۰).

یکی از پشتوانه‌های شرکت‌های تعاونی روستایی، «بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستایی ایران» بود. این بانک با اعلام اسامی کشاورزان به سرپرستان تعاونی‌ها -که از طریق سازمان اصلاحات ارضی برای بانک ارسال شده بود- از آنان درخواست می‌کرد تا با اعلام وصول اسامی نسبت به تأسیس شرکت تعاونی روستایی اقدام کنند. با تصویب قانون اصلاحات ارضی و تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی تهیه و تدارک



وام‌های کشاورزی برای حل مشکلات کشاورزان، از دیگر وظایف این شرکت بود. مقارن با سال‌هایی که سیاست اصلاحات ارضی توسط حکومت محمدرضا شاه پهلوی تبلیغ می‌شد، مردم مناطقی از فارس با خشک‌سالی‌های متعددی که در طی این سال‌ها به علت عدم باران کافی به وجود آمده بود، دست‌وپنجه نرم می‌کردند. از جمله وعده‌های داده شده به کشاورزان به هنگام اجرای این سیاست، پرداخت وام بود. بانک عامل متصدی پرداخت وام به کشاورزان، بانک کشاورزی بود. شواهد حکایت از آن دارد که در برخی موارد کشاورزان با سوءاستفاده مدیران شرکت‌های تعاونی روستایی که وام‌ها را به نفع خود و نزدیکانشان مصادره می‌کردند، نه تنها وامی دریافت نمی‌کردند، بلکه بر مشکلات روزمره‌شان نیز افزوده می‌شد. رعایای قریه «خواجه جمالی» شهرستان نیریز در نامه‌ای خطاب به پیرنیا، استاندار فارس، ضمن اشاره به خشک‌سالی‌های اخیر در روستایشان که آنان را از انواع محصولات اعم از سیفی جات و محصولات باغی محروم کرده بود، از ورود مأموران اصلاحات ارضی و اداره کشاورزی نیریز به روستایشان خبر دادند. مأموران به آنها وعده داده بودند تا با ارائه گزارش‌های لازم به مسئولین، از آنان بخواهند در پرداخت وام به کشاورزان مساعدت کنند. بعد از مدتی و با ورود رئیس بانک کشاورزی نیریز و اصطهبانات و رؤیت خسارات وارده، وی به آنها قول پرداخت وام داد. گزارش بیانگر آن است که وعده‌های رئیس بانک به علت کارشکنی مدیر شرکت تعاونی روستایی نیز بی‌اساس بوده و کشاورزان بینوا از پرداخت وام محروم ماندند. در پایان آنان از پیرنیا تقاضا کردند تا با مساعدت لازم به جمعیت ۱۵۰۰ نفره این روستا، اندکی از مشکلات آنان حل شود (ساکما، ۱۶۸۵-۳۵۰).

شرکت تعاونی روستایی خُلاَرِ اردکانِ فارس که با ۳۶۵ عضو و با سرمایه‌ای معادل ۱۷۹۰۰۰ هزار تومان تأسیس شده بود، به نمایندگی از ۱۵۰۰ نفر اهالی این روستا، در طی نامه‌ای به محقق، فرماندار شیراز، جهت تأمین آب آشامیدنی تقاضای حفر یک حلقه چاه عمیق داشتند. محقق نیز با ارجاع درخواست آنان به سهم‌الدینی، سرپرست تعاونی‌های استان فارس، درخواست رسیدگی کرد. سهم‌الدینی در پاسخ به عدم حفر چاه در خُلاَر با استناد به مخالفت سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، نوشت: «طبق

سوابق و تجربیاتی که در مورد اداره امور چاه‌های عمیق به‌وسیله شرکت‌های تعاونی داشته و به علت شکست همگی در اثر زیاد بودن هزینه‌های مربوطه، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران با اعطای اعتبار به منظور حفر چاه عمیق موافقت نکرده و ضمناً زارعین ضمن مراجعه به این سرپرستی اظهار می‌دارند که تقاضای ما در مورد حفر چاه از محل کمک‌های بلاعوض است که این سازمان وجهی بدین منظور ندارد» (ساکما، ۲۷۸۷-۲۹۳-۹۸).

حسن خلیلی، ساکن قریه نصر وان داراب که بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی صاحب قطعه زمینی شده بود، نیز در عدم استفاده از تسهیلات بانکی که با کارشکنی سرپرست و مدیرعامل شرکت تعاونی روستایی همراه بود، شکایت کرد و درخواست استفاده از این تسهیلات را داشت. مسئولین نامبرده از جمله دلایل عدم پرداخت وام به او را به رسمیت نشناختن او به‌عنوان کشاورز دانستند (ساکما، ۳۲۰-۰۰۰۵۰۵-۹۸). همچنین عده‌ای دیگر از اعضای شرکت تعاونی این روستا با اشاره به این موضوع که ۱/۳ بهای کودهای شیمیایی و ۳ درصد بهره پنبه در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ش به حساب اعضای سایر شرکت‌های تعاونی منظور شده بود و این بخشودگی تاکنون به حساب آنان واریز نشده، شکایت داشتند (ساکما، ۲۷۸۷-۲۹۳-۹۸).

شرکت‌های تعاونی روستایی در پاره‌ای موارد به مکانی برای انتخاب کدخدایان تبدیل شد. در آیین‌نامه جدید انتخاب کدخدا، که از سوی وزارت کشور تنظیم و نسخه‌ای از آن نیز به استانداری فارس ارسال شد، ضمن انتقاد از نحوه انتخاب کدخدایان در گذشته و عملکرد آنان که با تعدی به مردم بینوا همراه بود، به انتخاب مجدد آنان بر اساس دستورالعمل جدید اشاره داشت. در قانون جدید، عاملی، استاندار وقت فارس، می‌بایست با ارائه دستور به فرمانداری‌ها و بخشداران توابع خویش، به آنان ابلاغ کند تا با مراجعه به شرکت‌های تعاونی روستایی از مالکین روستا بخواهند تا در تعیین کدخدایانی که «صلاحیت اخلاقی» و «حسن شهرت» دارند و حتی المقدور دارای سواد خواندن و نوشتن بودند، اقدام کرده و سپس از بین افراد مذکور، فرد برتر را به‌عنوان کدخدای ده انتخاب کنند تا به‌وسیله فرمانداری منطقه، حکم انتصاب او صادر

شود. در ادامه تصریح شده بود، در نقاطی که در حال حاضر کدخدا وجود دارد، در صورتی که نامبرده واجد صلاحیت و شرایط لازم و مورد تأیید باشد، می‌بایست کماکان در سمت خود باقی بماند و در غیر این صورت و با ترتیب مقرر در انتخاب کدخدای جدید اقدام شود. در جاهایی که شرکت‌های تعاونی روستایی تشکیل نشده بود، کدخدایان واجد شرایط به‌جای کدخدایان فعلی منصوب شوند (ساکما، ۲۶۹۳۵-۳۵۰).

انتخاب کدخدا با دستورالعمل جدید نیز چندان رضایت‌بخش نبود؛ زیرا در شرکت‌های تعاونی روستایی که شخص کدخدا در بسیاری از موارد، مدیرعامل آن بود و در نتیجه سایر اعضای هیئت‌مدیره شرکت نیز با تصمیمات وی موافقت می‌کردند، اساساً فلسفه تأسیس این شرکت را زیر سؤال می‌برد. این موضوع در نامه‌ای که «بخشدار حومه ممسنی-شبانکاره» به فرماندار ممسنی انعکاس داد، مشهود است. در انتخاب کدخدا بر مدیریت شرکت‌های تعاونی روستایی و منافع یک‌طرفه وی، تصریح شده بود که با توجه به اینکه ممکن است روستاهای زیادی به‌طور مشترک دارای یک شرکت تعاونی باشند و از روستایی که قرار است برای آن کدخدا تعیین شود، یک نفر از آنان هم عضو شرکت تعاونی باشند و همان شخص نیز کدخدا باشد، در این موارد سایر اعضای شرکت که از روستاهای دیگر بودند نیز ممکن است به انتخاب کدخدای مورد نظر رأی دهند. اگرچه در زمان انتخاب هیئت‌مدیره کشاورزان ممکن است از شخص مورد نظر رضایت داشته باشند؛ اما بعد از انتخاب ممکن است از عملکرد وی ناراضی باشند و از ابقای وی به‌عنوان هیئت‌مدیره شرکت نیز خوش‌بین نباشند (ساکما، ۱۸۱۴۱-۲۹۳).

انتخاب اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی در پاره‌ای اوقات با سوءاستفاده مالکان و خوانین سابق همراه بود و شکایات کشاورزان را به همراه داشت. توضیح آنکه شیروان دهقان و شش نفر از اهالی روستای سرناباد جاوید ممسنی در شکایت از عملکرد ناظران انتخابات شرکت تعاونی - که با دسیسه زکی خان دره شوری و عمال وی هم همراه بود، در طی عریضه‌ای از نراقی، مدیرکل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی فارس تقاضا کردند تا به این موضوع رسیدگی و با انتقال سهام خود به

شرکت‌های تعاونی روستاهای مجاور موافقت کند. نراقی هم با انعکاس این شکایت به «اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستایی ممسنی» درخواست رسیدگی کرد (ساکما، ۹۸-۳۲۰-۰۰۰۴۹). با وصول نامه، کاظمی، رئیس اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستایی ممسنی، شکایت آنان را بی‌اساس دانست؛ زیرا به نظر وی کارکنان آن اداره با حضور در روستا و تشریح هدف تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی به آنان با تشکیل مجمع که با صورت جلسه مورخه ۱۳۴۹/۲/۱۱ش همراه بود، بدون دخالت سرپرست حوزه و رئیس تعاونی به انتخاب هیئت‌مدیره و دیگر اعضا اقدام کردند. او تأکید داشت که انتخابات و مجمع یک‌بار در حضور اهالی سرقنات در چشمه سفید سرناباد و مرتبه دیگر در خود روستای سرقنات برگزار شود. سرانجام توضیح داد که این صورت جلسه را خود مردم سرقنات که ۲۵ نفر بیشتر نبودند، حاضر به امضای آن نشدند. همچنین تصریح کرد که شکایت مذکور فقط با امضای ۷ نفر که یکی از آنان (دهقان به‌عنوان عضو علی‌البدل انتخاب شده بود) وصول شده که این ۷ نفر الزاماً نمی‌توانند نمایندگان کشاورزان و روستاهای مجاور خود باشند (۱۳۴۹/۲/۲۹ش). شواهد حکایت از آن دارد که پاسخ اداره تعاون روستایی ممسنی چندان با این انتخابات سازگار نبود؛ زیرا در شکایتی دیگر که به امضا و اثرانگشت ۶۲ نفر دیگر از روستاهای سرناباد جاوید ممسنی همراه بود، آنان این انتخابات را نه تنها تأیید نکردند؛ بلکه تقاضا کردند تا با انتقال سهام آنان به شرکت تعاونی روستایی راشک موافقت شود (۱۳۴۹/۳/۲۵ش). بنابراین، نراقی از پاپن، سرپرست سازمان تعاون روستایی فارس، تقاضای رسیدگی دقیق کرد (ساکما، ۹۸-۳۲۰-۰۰۰۱۹۱۷).

به‌رغم اجرای قانون اصلاحات ارضی حتی تا سال‌های میانی و بعد از آن در فارس، در برخی از مناطق به علت کارشکنی و منفعت‌طلبی مسئولین محلی، این شرکت‌ها تشکیل نشده بود. توضیح آنکه زارعین روستاهای نوداد و همزه صیمکان جهرم در عریضه خود به وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی از دسایس و فتنه‌انگیزی‌های افرادی چون سرپرست حوزه ۴ بخش صیمکان در تشکیل شرکت‌های تعاونی در روستایشان شکایت داشتند. آنان با اشاره به این موضوع که مسئولین محلی با تهدید و

ارباب آنان از تشکیل شرکت تعاونی در روستایشان جلوگیری کرده‌اند، تقاضای تشکیل این شرکت را در محل سکونتشان داشتند (همان).

با وجود شکایات متعدد و درگیری‌هایی که در استان فارس بر سر شرکت‌های تعاونی وجود داشت، در طی اجرای اصلاحات ارضی در استان، شرکت‌های تعاونی نیز تشکیل و بخش عمده اعتبارات خود را نیز دریافت کردند. طبق گزارش بانک اعتبارات کشاورزی ایران و ارائه آمار تفصیلی از فعالیت سه‌ساله شعب استان فارس در تاریخ ۱۳۴۴/۱۲/۵، از تعداد ۱/۴۵۵/۹۱۸ فقره وام به مبلغ ۱۳/۸۴۵/۰۱۲/۶۲۱ ریال، استان فارس سهم بسزایی داشت. شعب استان فارس در این مدت تعداد ۵۵۹۹۵ فقره وام به مبلغ ۶۹۴/۹۷۸/۹۹۹ ریال نقداً پرداخت کردند و در میان ۱۹۱۵۳ نفر کشاورز مقدار ۲/۹۸۲/۷۱۲ کیلو گندم بذری به ارزش ۲۸/۸۹۹/۸۱۸ ریال توزیع کردند. به‌موازات این اقدامات بانک، تعداد ۱۵ حلقه چاه عمیق مجانی که هزینه آن بالغ بر ۱۲/۰۱۹/۸۲۲ ریال بود و همچنین پنج حلقه چاه عمیق غیر مجانی به ارزش ۳/۶۵۶/۳۸۱ ریال و ۲۰۰ حلقه چاه نیمه عمیق دسته‌جمعی از محل اعتبار سازمان برنامه و بانک برای تأمین آب زراعی حفر و موتور تلمبه‌های آن نصب شد (ساکما، ۰۴۸۰۶۴ - ۲۹۳).

جدول شماره ۲: شرکت‌های تعاونی روستایی استان فارس تا آذر ۱۳۵۱ ش

ردیف	شهرستان	تعداد شرکت‌های تعاونی روستایی	تعداد اعضا	میزان سرمایه شرکت‌های تعاونی روستایی به ریال	میزان ذخایر شرکت‌های تعاونی به ریال	مبلغ وام پرداختی شرکت‌ها به اعضا به ریال
۱	شیراز	۱۵۲	۳۷۵۹۴	۶۸/۹۵۴/۶۵۰	۱۹/۹۸۱/۸۸۷	۴۹/۷۵۷/۰۲۶
۲	آباده	۵۵	۱۳۳۵۸	۱۸/۰۱۱/۳۰۰	۴/۱۴۲/۰۱۹/۷۰	۵۰/۹۶۶/۰۰۰
۳	جهرم	۴۱	۸۹۳۵	۱۶/۵۲۸/۱۵۰	۵/۷۶۸/۸۲۶	۱۵/۴۳۲/۰۰۰
۴	فیروزآباد	۴۹	۱۱۴۱۳	۱۴/۷۲۵/۴۵۰	۲/۸۳۱/۸۶۸	۱۲/۳۳۸/۰۰۰
۵	کازرون	۵۰	۱۱۵۰۹	۱۹/۴۵۷/۷۰۰	۵/۰۷۲/۹۴۵	۲۱/۹۳۶/۴۰۰
۶	ممسنی	۴۷	۱۷۱۱۶	۱۵/۵۶۱/۴۰۰	۵/۷۰۶/۵۲۵/۷۶	۱۴/۸۸۶/۵۰۰
۷	فسا	۲۸	۷۴۶۷	۱۱/۵۷۱/۳۰۰	۴/۳۳۶/۲۰۷/۶۰	۱۷/۸۰۵/۴۸۹

۱۵/۷۵۹/۵۰۰	۳/۵۱۸/۵۶۱	۱۱/۳۸۴/۶۵۰	۸۲۶۴	۳۸	داراب	۸
۲۰/۵۷۷/۳۹۴	۳/۰۹۰/۴۱۱/۴۴	۷/۳۶۵/۷۰۰	۵۵۶۸	۲۵	نیریز و اصطهبانات	۹
۸/۸۴۳/۰۰۰	۹۶۹/۱۹۰	۶/۷۳۷/۵۰۰	۱۱۰۰۴	۵۲	لار	۱۰
۲۲۸/۳۰۱/۳۰۸	۵۵/۴۱۸/۴۴۱/۵۰	۱۹۰/۲۹۷/۸۰۰	۱۲۸۲۲۸	۵۳۷	کل استان	۱۱

منبع: ساکما، ۸۱۰-۳۲۰-۹۸

نتیجه

دوره پهلوی به‌ویژه تأثیرپذیری از تحولات بین‌الملل که شتابان در مسیر تحول و پیشرفت سیر می‌کرد و خواه‌ناخواه جامعه ایران از آن متأثر بود و همچنین تعامل ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه ایران به‌ویژه میان مردم و گروه‌های اجتماعی با نظام سیاسی و اجتماعی قابل توجه و بررسی است. در میان عواملی که وضعیت عمومی کشور را از اواسط دهه ۱۳۴۰ش تا اواسط دهه ۱۳۵۰ش رقم زدند، اصلاحات ارضی از جایگاه منحصربه‌فردی برخوردار است. حکومت محمدرضا پهلوی به‌منظور انجام دادن اصلاحات ارضی دست به اجرای برنامه‌ای زد که هدف آن رسیدن به نتایج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهم برای ارتقای زندگی روستائیان بود و تقریباً نیمی از خانواده‌های روستایی را مالک دست‌کم قطعه زمین کوچکی ساخت. انگیزه اصلی این برنامه بیش از آنکه اقتصادی باشد، سیاسی بود؛ بنابراین از همان آغاز درباره اهداف و نتایج عملی اصلاحات ارضی تناقضاتی وجود داشت. جدی‌ترین تناقضات به زارعان مربوط می‌شد که ظاهراً قرار بود، بیش از همه از اصلاحات ارضی منتفع شوند. حکومت محمدرضا شاه پهلوی درصدد بود تا با انجام اقداماتی مثل تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی، شرکت سهامی زراعی، ایجاد خانه‌های فرهنگ روستایی، تشکیل سازمان‌های بیمه اجتماعی روستایی و سرانجام سپاه دانش به نفع کشاورزان عمل کند. استان فارس که یکی از مهم‌ترین و وسیع‌ترین استان‌های زراعی ایران به‌حساب می‌آمد، در جریان قانون اصلاحات ارضی مورد توجه حکومت محمدرضا شاه پهلوی قرار داشت. با آغاز اجرای قانون اصلاحات ارضی و در جهت تسریع و گسترش آن، نقش کانون‌هایی چون



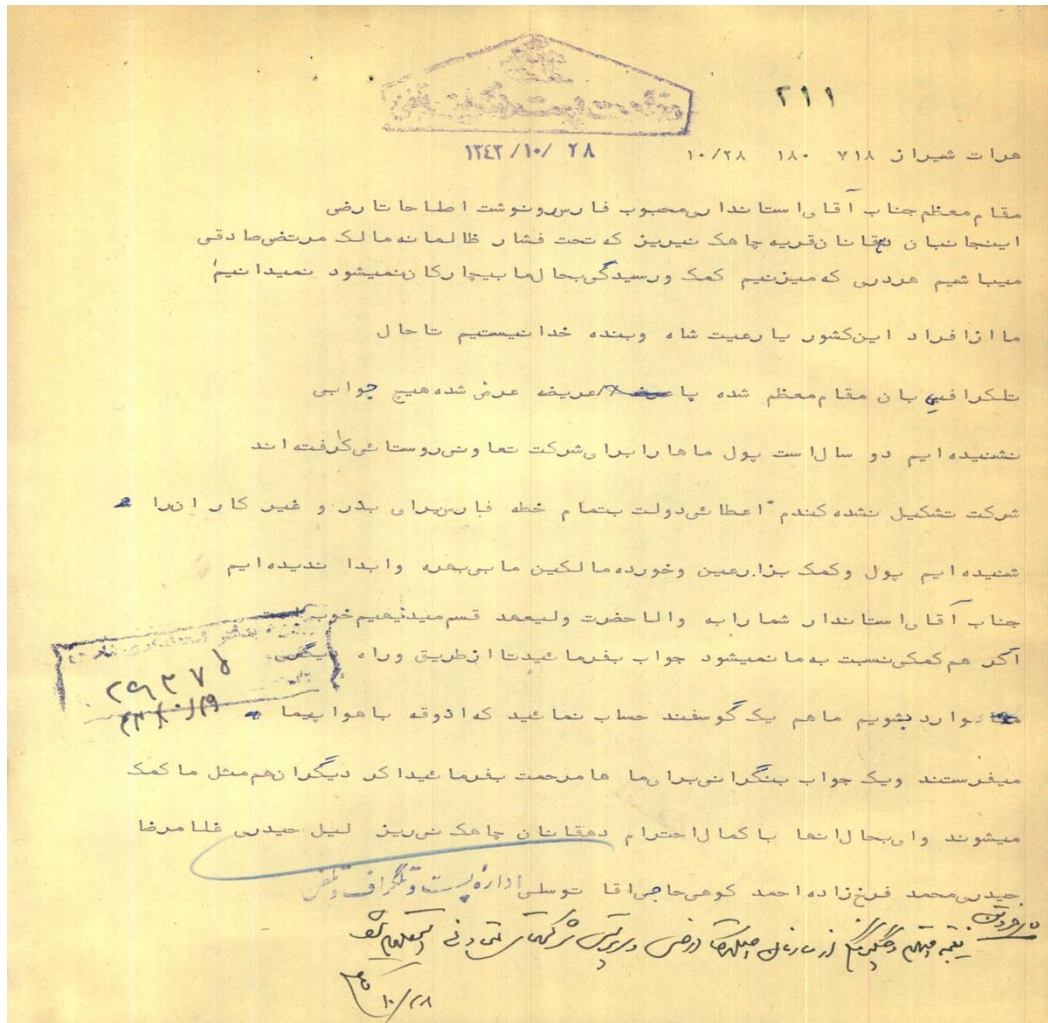
شرکت‌های تعاونی روستایی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که با تأسیس این شرکت‌ها در فارس و مناطق روستایی نه‌تنها بهبودی در وضعیت معیشتی روستاییان ایجاد نشد، بلکه به تنگدستی و بینوایی آنان منجر شد. چنانکه بخش عمده وام‌ها با زد و بندهایی که وجود داشت به افرادی غیر کشاورز پرداخت شد. از طرفی بخش عمده اعتبارات لحاظ شده توسط افراد بانفوذ در هیئت‌مدیره که همچنان از مالکین عمده بودند، تصاحب می‌شد. نقش این شرکت‌ها در انتخاب نهاد کدخدایی در روستاها و سوءاستفاده کدخدایان و مالکان در اخذ وجوهات غیرقانونی از مردم به‌عنوان هیئت‌مدیره این شرکت‌ها نارضایتی از آنان را به همراه داشت. این موضوع، شکایات آنان به نهادهای وقت چون استانداری فارس و بنادر و سازمان اصلاحات ارضی فارس را در پی داشت که در بیشتر مواقع نیز به سرانجام نمی‌رسید. فرجام سخن آنکه شرکت‌های تعاونی روستایی با اعمال نفوذ افراد غیر روستایی و زد و بندهای افراد بانفوذ روستاها، از همان آغاز در دنبال کردن هدف اولیه خود شکست خورد و این تعاونی‌ها بیش از آنکه کمکی به کشاورزان باشند، به‌سرعت تبدیل به وسیله‌ای برای حکومت مرکزی شدند تا از سال ۱۳۴۱ش به بعد از طریق آنها تسلط خود بر روستاها را گسترش دهد.

منابع

- بازيار، هما تاج، شاه و انقلاب سفيد؛ اصلاحات ارضي شرکت‌های تعاوني روستايي-شرکت ساهمي زراعي، تهران، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۰ ش.
- پورافضل، حسن و بهاء‌الدين نجفي، اصلاحات ارضي و واحدهای دسته‌جمعي، شيراز، انتشارات دانشگاه پهلوي، ۱۳۵۱ ش.
- توفيقی، علی‌رضا، «اصلاحات ارضي در ايران و پیامدهای آن»، چشم‌انداز ايران، ش ۴۷، دی و بهمن، ۱۳۸۰، ص ۵۲-۵۵.
- زاهد زاهدانی، سعيد و محمدتقی ایمان، «تاریخچه تعاوني‌های روستايي ايران»، سلسله مقالات بخش برنامه‌ريزي و جامعه‌شناسي، ش ۱۲، ۱۳۶۱، ص ۶-۳۴.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملي ايران): ۱۹۱۷-۰۰۰-۳۲۰-۹۸؛ ۱۴۸۸-۲۹۳-۹۸؛ ۱۸۱۴۱-۲۹۳؛ ۲۹۳-۰۴۸۰۶۴-۲۹۳؛ ۸۱۰-۳۲۰-۹۸؛ ۳۹۳-۳۹۳۰۳؛ ۱۶۸۵-۳۵۰؛ ۰۰۵۰۵-۳۲۰-۹۸؛ ۲۷۸۷-۲۹۳-۹۸؛ ۲۶۹۳۵-۳۵۰-۹۸؛ ۰۰۰۴۹-۳۲۰-۹۸.
- سوداگر، محمد، بررسی اصلاحات ارضي (۵۰-۱۳۴۰)، تهران، پاژند، ۱۳۵۸ ش.
- قنبري نژاد، زينب، «اصلاحات ارضي و مهاجرت در فارس و بوشهر ۱۳۴۰-۱۳۵۷»، رساله دکتری رشته تاريخ، استاد راهنما: حبيب الله سعیدی نيا، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، دانشکده ادبيات و علوم انساني، ۱۳۹۸ ش.
- قنبري نژاد، زينب و حبيب سعیدی نيا، حبيب الله، «کنگره دهقانان: تلاش دولت برای مشروعیت بخشیدن به اصلاحات ارضي»، گنجینه اسناد، س ۳۱، ش ۱۲۲، ۱۴۰۰ ش، ص ۶۲-۸۶. **Doi: 10.30484/GANJ.2021.2668**
- لمتون، آن، اصلاحات ارضي در ايران، ترجمه مهدي اسحاقیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴ ش.
- لهسايی زاده، عبدالعلي، تحولات اجتماعي در روستاهای ايران، شيراز، نشر نوید، ۱۳۶۸ ش.
- مرحله سوم اصلاحات ارضي یا افزایش تولید محصولات کشاورزي- سخنرانی رياحي وزيرکشاورزي، ۱۹ دی، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۴۴ ش.
- ناهید، منوچهر، نقش شرکت‌های تعاوني در پیشرفت و توسعه کشاورزي، تهران، مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاوني، ۱۳۴۶ ش.
- ودیعی، کاظم و مهدي هاشمی، نهضت تعاوني ايران. تهران، وزارت اطلاعات و جهانگردی، ۱۳۵۵ ش.
- هوگلاند، اریک، «اصلاحات ارضي، اراده نیمه‌تمام»، فصلنامه گفتگو، شماره ۳۲، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۵-۵۶.
- _____، زمین و انقلاب در ايران (۱۳۶۰-۱۳۴۰)، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۱ ش.

ضمایم

۱- عریضه دهقانان قریه چاهک نی ریز فارس به استانداری و سازمان اصلاحات ارضی فارس مبنی بر اخذ وجوهات غیرقانونی از آنان توسط مرتضی صادقی، مالک روستا برای تأسیس شرکت تعاونی و به سرانجام نرسیدن آن (تاریخ سند، ۱۳۴۳/۱۰/۲۸)



چهارمین شماره

سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، بهار ۱۴۰۲



۱۲۸

۲- بخشنامه وزارت کشور به استانداری فارس مبنی بر اتخاذ دستور استاندار به فرمانداران و بخشداران توابعش در انتخاب کدخدایان واجد شرایط در شرکت‌های تعاونی روستایی (تاریخ سند، ۱۳۴۳/۸/۳۰)

تأثیر اصلاحات ارضی بر عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی در استان فارس (۱۳۴۱-۱۳۵۱ ش)



۱۲۹

شماره ۳۷/۳۷۱
تاریخ ۱۳۴۳/۸/۳۰
پیوست

وزارت کشور
استانداری فارس

استانداری فارس

اینکه اصول عشقگانه انقلابی از جمله اصلاحات ارضی در سراسر کشور اجراء گردید موانع کشاورزی بحالکت کشاورزان درآمده و ضررهای تعاونی دهات که منتخب کشاورزان محل میباشد تشکیل گردیده است انتخاب کدخدایان دهات بمنظور پیشرفت امر کشاورزی و تک و مساعدت با شورای تعاونی ده و انجام تکالیف قانونی از جمله معرفی افراد مشمول بحوزه‌های سرسازگری نهایت ضرورت را دارد و باید این امر بهترین نحوه و هماهنگ با سازمان‌های تعاونی صورت پذیرد و صالح ترین لایقترین افراد بسمت کدخدای انتخاب شوند تا بتوانند وظائف مهم و متعدد را که برعهده دارند با انجام رسانده و مساعدت برای پیشرفت اصلاحات درده بوجود آورند این موضوع بخصوص باتوجه بوظایفی که کدخدایان در امر سرسازگری دارند نهایت اهمیت را دارد و نحوه انتخاب منطقی و صحیحتری در قانون جدید انتخاب کد خدا پیش بینی شده و قانون مزبور بحسب شرایط و تغییر یافته است چون چنانچه تصویب قانون چندی طول خواهد کشید و انتخاب کلیه انجمنهای دهات وقت نسبتاً طولانی لازم خواهد داشت و تمسین کد خدا بان صالح به ضرورت با قانون فعلی نیز امکان پذیر است که هرچه زودتر در این امر مهم اقدامات توجیهی بعمل آید بخصوص که از این پس امر سرسازگری که بوزارت کشور واگذار گردیده بدین وجود کدخدایان صالح دچار اشکالات فراوان خواهد شد . بنابراین باتوجه بانکه طبق مقررات فعلی تمسین کد خدا را صرفی اکثریت مالکین است و در وضع فعلی اکثر مالکین همان زارعین سابق صبا که در شهر کنای تعاونی روستایی شرکت دارند بمجموع بخشداران تا بهمه ابلاغ اکتف فرمایند که در شرکت تعاونی هر یک از دهات مراجعه نموده و از آنها که مالکین حقیقی میباشد بخواهند سه نفر از اشخاص شایسته مدد را که صلاحیت اخلاقی و حسن شهرت داشته باشند و حتی المقدور دارای سواد خواندن و نوشتن باشند بعنوان کدخدای کدخدای محل کتابا معرفی نمایند و سپس از این افراد مزبور بکفر که اصلاح باشد بسمت کد دای ده انتخاب و وسیله فرمانداری محل حکم انتخاب ابرضا در نمایندند بدین است در نقاطی که در حال حاضر کد خدا وجود دارد در صورتیکه نامبرده واجد صلاح

شماره
تاریخ ۱۳
پیوست

وزارت کشور
استانداری فارس

۲۵

صلاحیت و شرافت لازم بوده و مورد تأیید باشد باید کماکان درست خود باقی بماند و در ضرر اینصورت بترتیب معقوله در فوق در انتخاب کدخدای جدید اقدام شود و در هر کجا هم شرکت تعاونی روستایی هنوز تشکیل نشده کوشش شود که کدخدایان واجد صلاحیت بجای کدخدایان فعلی منصوب شوند ذکر این نکته ببالا میداند که موضوع فوق که بشرف مرض مبارک طوکانه رسید و مورد تأیید واقع گردید اهمیت خاص دارد و مستور خواهد شد فرمود که تا اخر آنرا و انجام نتیجه آنرا اطلاع دهند (وصول بخشنامه و اطلاع اطلاع خواهد شد)

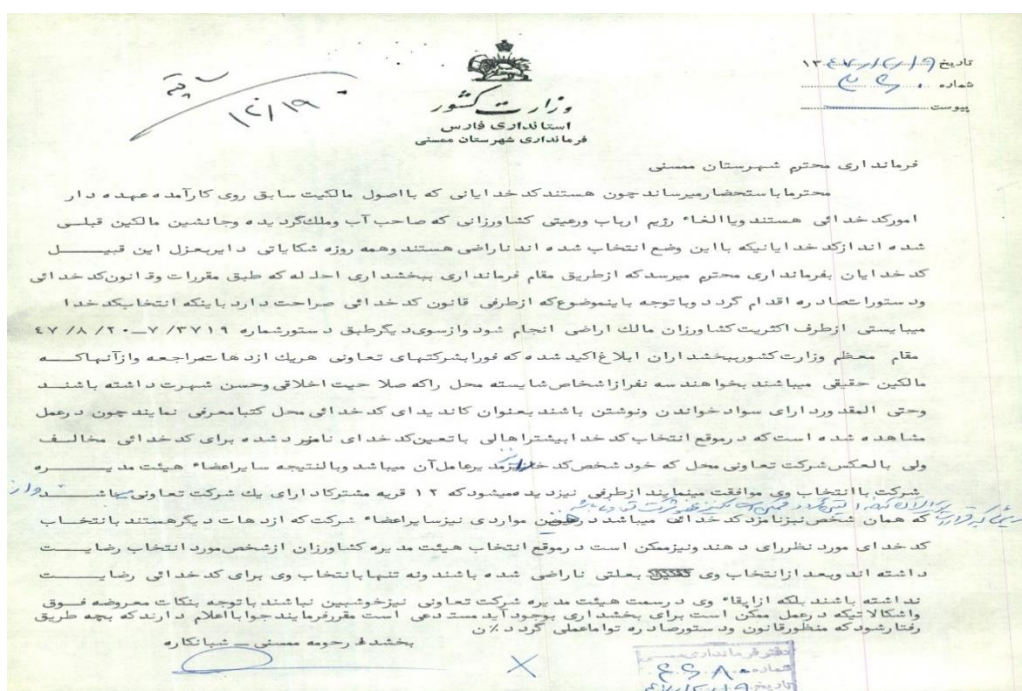
وزیر کشور

۲۱۵۹۷
۵۳۹۵

رونوشت برای اطلاع و اجراء همانا آن به بخشداران حومه شماره ابلاغ میشود که نسبت بدستور فوق اقدام نموده وصول بخشنامه را نیز اطلاع دارند .

از طرف استاندار فارس دکتر عالی

۳- نامه بخشدار «حومه ممسنی-شبانکاره» به فرماندار ممسنی (حیدری) در مورد انتخاب کدخدایان و مدیریت آنان بر شرکت‌های تعاونی روستایی در ممسنی (تاریخ سند، ۱۳۴۷/۱۲/۱۹)



پوشه تاریخ اسلام

سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، بهار ۱۴۰۲



۱۴